روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۳۴۱۶۵۴
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۵۷۷۸ | چهارشنبه اول آبان ۱۳۹۸ | ۲۴ صفر ۱۴۴۱ | اذان ظهر: ۱۱:۴۹ |
غروب آفتاب: ۱۷:۱۹ | اذان مغرب: ۱۷:۳۸ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۰۷ | اذان صبح فردا: ۰۴:۵۴ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۱۸ |

یادداشت مهمان | حسین عباسی‌فر

## اخراج وقاحت بازرگانی از شبکه کودک

تبلیغات بازرگانی به عنوان حلقه اتصال تمام پیکره تمدن غرب دو مخاطب اصلی دارد: ۱- زنان ۲- کودکان. در سه‌گانه قدرت اقتصادی، قدرت سیاسی و قدرت رسانه‌ای تبلیغات بازرگانی علاوه بر تأمین هزینه‌های رسانه‌ها چرخه اقتصاد سرمایه‌داری را از طریق تحریک طرف تقاضا (مصرف) به حرکت درمی‌آورد. جمع بین قدرت اقتصادی و قدرت رسانه‌ای هم طبیعتاً قدرت سیاسی را تضمین می‌کند. پدیده تبلیغات بازرگانی در عصر ما از جنس جارزدن جارچیان و حکاکی روی دیوار غارها نیست. پدیده‌ای مدرن است که مطلقاً کسی نمی‌تواند از تاثیرش فرار کند؛ تاثیرات مستقیم و غیرمستقیمی که در میان انبوه انتخاب‌ها قرار است به جای مخاطبان خود انتخاب کند. در تعریف تبلیغات بازرگانی در سایت اداره کل بازرگانی صدا و سیما آمده است: تبلیغات بازرگانی در حقیقت جایگزین انتخاب شرطی به جای انتخاب عقلانی است و این یعنی با صراحت و وقاحت تمام می‌گویند که شما نباید انتخاب عقلانی داشته باشید، بلکه آن چیزی را باید انتخاب کنید که ما از قبل برای شما پسندیده‌ایم. حال فرض کنید مخاطب این تبلیغات کودکی باشد که قدرت انتخاب ندارد. قطعاً هر عقل سلیمی این پدیده را یک فریب تلقی می‌کند. حذف تبلیغات از شبکه پویا قدم بزرگی در راه رسیدن به اقتصادی عادلانه‌تر، فرهنگی متعالی‌تر و جامعه‌ای سالم‌تر است که قطعاً تلاش‌ها و دغدغه‌های مدیریت این شبکه برای تحقق آن غیرقابل چشم‌پوشی است. حذف تبلیغات در حقیقت به بازاری عادلانه‌تر خواهد انجامید که هر کالا و خدماتی که در آن ارائه می‌شود خود، معرف خود است نه رسانه‌هایی با مخاطب انبوه. کیفیت و قیمتش با کیفیت و قیمت کالاها و خدمات دیگر رقابت می‌کند نه میزان هزینه تبلیغات و خرید رسانه توسط تولیدکننده‌اش. در حوزه فرهنگ نیز فرهنگ مصرفی که اولین تاثیر مستقیم تبلیغات است کمرنگ خواهد شد و مصرف مردم بر اساس نیاز واقعی خواهد بود نه احساس نیاز کاذب! همچنین مهار رسانه‌ها دیگر در دست سرمایه‌داران نخواهد بود و فعالیت‌های فرهنگی به جای رنگ و بوی اقتصادی حقیقتاً عطر کار فرهنگی خالصانه و تاثیرگذار خواهد داشت. زنان نیز به عنوان همراه کودکان در خانه به طور مستقیم و غیرمستقیم (از طریق درخواست مکرر کودکان) مخاطب تبلیغات بازرگانی در شبکه پویا بودند که با این اتفاق مبارک از تقاضاهای مکرر کودکانشان برای خرید کالاهای جدید نفس راحتی خواهند کشید. نظام سرمایه‌داری هدفی به جز افزایش ثروت ثروتمندان و راضی نگه‌داشتن مردم در سطح رفاهی حداقلی ندارد. این امر محقق نمی‌شود مگر با خرید بیشتر مردم و تغییر دم به دم ذائقه مصرفی آنها که با دو پدیده مد و تبلیغات صورت می‌گیرد اما موضوع دیگر این یادداشت استفاده از کودکان در تبلیغات بازرگانی است. استفاده از کودکان در تبلیغاتی که مخصوص کودکان نیست خلاف قانون است و باید طبق قانون از آن جلوگیری شود اما استفاده از کودکان در تبلیغات کالاهایی که مخصوص کودکان است نیز توجیهی ندارد و علاوه بر اینکه به آن کودک آسیب روحی و روانی وارد خواهد کرد و در مسیر زندگی او تاثیر خواهد گذاشت، به نوعی سوءاستفاده از کودکان برای اغوای کودکان خواهد بود. با نگاهی عمیق‌تر حتی می‌توان کودکانی را که در تبلیغات استفاده می‌شوند کودک کار تلقی کرد. خلاصه آنکه جمع بین کودک و تبلیغات چه به عنوان بازیگر تبلیغات و چه به عنوان مخاطب آن جمع نقیضین است و محال! نکته نهایی و مهم این است که حذف تبلیغات از شبکه پویا این سؤال را پدید می‌آورد که اگر تبلیغات برای کودکان مضر است و همه این را قبول داریم و به حذف شدن آن رأی می‌دهیم، آیا تبلیغات برای نوجوانان و بزرگسالان مفید است؟ آیا تبلیغات روی انتخاب بزرگسالان تاثیری ندارد؟ آیا تبلیغات برای بزرگسالان اثرات منفی اقتصادی و فرهنگی که پیش‌تر ذکر شد در پی نخواهد داشت؟ آیا تبلیغات برای بزرگسالان حذف رقبا از بازار را به دنبال ندارد؟ آیا باعث از بین رفتن عدالت اقتصادی و اجتماعی نمی‌شود؟ قطعاً اگر تبلیغات اثر نداشت سرمایه‌داران برای آن این همه هزینه نمی‌کردند! پس اثر دارد و اگر اثر دارد مسئولان فرهنگی کشور به همان دلایلی که تبلیغات را از شبکه پویا حذف کردند باید آرام آرام بساط این پدیده‌ای که مهم‌ترین ابزار اقتصاد سرمایه‌داری به حساب می‌آید را از تمام رسانه‌های عمومی جمع کنند تا علاوه بر عدالت اقتصادی، سلامت روانی، فرهنگی و اجتماعی در جامعه حاکم شود. این امر محقق خواهد شد با وجود مدیران انقلابی و متخصص که در گام دوم انقلاب اراده‌ای بلند در راستای تمدن‌سازی دارند. ان‌شاءالله.

سینما

## نامه شورای عالی تهیه‌کنندگان سینما به وزیر ارشاد درباره بیمه هنرمندان

شورای عالی تهیه‌کنندگان سینمای ایران با اعلام «وضعیت غیرقابل قبول بیمه هنرمندان» نامه‌ای سرگشاده خطاب به وزیر ارشاد نوشتند.
به گزارش ایسنا، در نامه شورای عالی تهیه‌کنندگان از سیدعباس صالحی وزیر ارشاد خواسته شده تا نسبت به حمایت بیمه‌ای از هنرمندان اقدامات لازم را انجام دهد.

# «خانه پدری» صرفاً در ۱۵سالن با هشدار سنی ۱۵سال

**اکران به شدت محدود «خانه پدری» پس از سال‌ها توقیف دارای این پیام روشن خواهد بود که متولی امر سینما در کشور به هیچ وجه با تولید و نمایش آثاری که می‌تواند موجب جریحه‌دار کردن احساسات عمومی شود مماشات نخواهد کرد و با سیاستگذاری‌های مختلف از جمله محدود کردن سالن و گیشه مقابل ترویج چنین آثاری خواهد ایستاد**

■ جواد محرمی

«خانه پدری» از آن فیلم‌هایی است که اساساً نباید ساخته می‌شد، مثل سریال «بوی باران» که از ابتدا تا پایان مشحون از خشونت لفظی و فیزیکی بود و دو ماه گام به گام تبدیل یک شهروند سالم به شهروند پرخاشگر و غیرعادی را آموزش می‌داد. خانه پدری نباید ساخته می‌شد مثل سریال «تلاطم» که در یکی از سکانس‌ها طرف مغز صاحب کارش را با دمبل خرد می‌کند و در صحنه‌ای دیگر با قفل فرمان به حد مرگ به جان شخصیت فیلم می‌افتد و او را از پا در می‌آورد.

خانه پدری نباید ساخته می‌شد درست مثل آن دو صحنه سریال «ستایش» که حمید جلوی چشم میلیون‌ها بیننده بی‌نوا و بی‌دفاع تلویزیون پسر حشمت فردوس را با چاقو تکه‌تکه کرد و با سنگ کله غلام را منفجر نمود. خانه پدری نباید ساخته می‌شد درست مثل تله فیلم «مرتضی» که اخیراً از تلویزیون پخش شد و در آن مردی آن دیگری را با میله آهنی آش و لاش کرد! همه این صحنه‌ها و سکانس‌های زجرآور و رقت‌انگیز می‌توانست ساخته نشود و البته کارگردان با تمهیدی تکنیکی به راحتی بیننده را به قتل ارجاع دهد بدون آنکه شاهد صحنه‌های فجیع و ددمنشانه باشیم.

اما چرا می‌گوییم اساساً این فیلم‌ها نباید ساخته می‌شدند یا جور دیگری باید ساخته می‌شدند. پاسخ ساده است؛ تأکید روی خشونت ترویج خشونت می‌کند. کسی نمی‌تواند منکر این باشد که این افراط‌گرایی در به تصویر کشیدن خشونت در سینما و تلویزیون ایران که هر قدر جلوتر می‌رویم بیشتر هم می‌شود و جامعه را تحت تاثیر قرار می‌دهد؛ خشونتی که نویسنده‌ها آن را از گوشه و کنار جامعه بیرون می‌کشند و مانند مدال افتخار جلوی انظار عمومی قرار می‌دهند فقط سرگرم‌کننده نیست بلکه جریان‌ساز است.

کسی منکر این نیست که در هر جامعه‌ای قتل و جنایت و بزهکاری وجود دارد اما وقتی سینما و رسانه به این اتفاقات ضریب می‌دهند در واقع خواسته یا ناخواسته آنها را ترویج می‌کنند. اخیراً آیت‌الله مکارم‌شیرازی و نیز

**کسی منکر این نیست که در هر جامعه‌ای قتل و جنایت و بزهکاری وجود دارد اما وقتی سینما و رسانه به آن ضریب می‌دهند در واقع آنها را ترویج می‌کنند**

آیت‌الله فاطمی‌نیا به فاصله زمانی کم روی این موضوع تأکید کردند که چهارپایان در ملأ عام و به خصوص مقابل نگاه کودکان ذبح نشوند چراکه می‌تواند اثرات مخربی داشته باشد که ساده‌ترینش قسی‌القلب شدن افراد است، حتی در اجرای حکم برخی مجازات‌های سنگین که منجر به جریحه‌دار شدن احساسات جامعه شده و روی جنبه عبرت‌آموزی آن تأکید شده و به ندرت هم انجام می‌شود نیز تماشای صحنه قصاص صرفاً برای جمعی از افراد تأکید شده و تماشای آن برای کودکان توصیه نشده است.

مضاف بر اینکه از آنجا که قصد و نیت در اجرای قصاص با قتل نفس تفاوت دارد تأثیرات روحی و روانی آن نیز بر جامعه متفاوت است، یعنی هر خشونتی فی‌الذات نمی‌تواند منفی تلقی شود. خشونت‌ورزی در دفاع از جان و ناموس و میهن امری مقدس است و فتنه‌انگیزی و تجاوز رویکردی مذموم.

قصاص منجر به اعتدال جامعه شده و قتل نفس موجب اختلال در جامعه می‌گردد؛ یکی آرام‌بخش احساسات جامعه است و دیگری ترویج‌کننده منکر.

■ **شلیک به نهاد خانواده**

با این توضیحات برمی‌گردیم به صحنه قتل فیلم خانه پدری که در آن یک پدر بنا به ظنی که درباره رابطه غیرشرعی دخترش دارد او را به فجیع‌ترین شکل ممکن از پای درمی‌آورد و فیلمساز عامدانه روی جنس و شکل کشتن دختر بیچاره زیر دست و پای پدر و برادرش تأکید دارد. فیلمساز می‌توانست دست‌کم به گونه‌ای غیرخشونت‌آمیز روی موضوع قتل ارجاع دهد.

ذکر این نکته ضروری است که خشونت چنین قتلی با آنچه مثلاً در فیلم «به وقت شام» اتفاق می‌افتد و در یک صحنه مرد داعشی سر شیخ را از تنش جدا می‌کند یا جنس خشونت در آثار جنگی تفاوت عمده‌ای دارد. در خانه پدری جنایت در قالب مقدس‌ترین و محترم‌ترین نهاد اجتماعی یعنی خانواده رقم می‌خورد که در ذهن همه افراد امن‌ترین محل در جامعه محسوب می‌شود. قتل از سوی پدر خانواده که به طور سنتی در همه تاریخ به عنوان ستون فقرات خانواده مطرح است با همدستی برادر اتفاق می‌افتد.

در واقع کیانوش عیاری روی یکی از کم‌سابقه‌ترین و نادرترین خشونت‌های رخ‌داده در تاریخ بشریت دست گذاشته است و جنایت را نه در قالب یک جنگ تن به تن میان دو قوم یا دو ملت یا دو فرقه یا دو دسته و باند و گروه بلکه میان اعضای یک خانواده برپا کرده و در ترسیم جزئیات صحنه قتل نیز همتی مضاعف به خرج داده است. شاید به جرئت بتوان گفت جنایتی که عیاری در فیلم خانه پدری مو به مو و فریم به فریم تصویر کرده فجیع‌ترین و قبیح‌ترین جنایت بشری است آن هم در کانون یک خانواده ایرانی که همه می‌دانیم به نسبت فرهنگ‌ها و ملت‌های مختلف از قداست و احترام و عزتی بی‌مثل و مانند برخوردار بوده و است. از این منظر فیلم خانه پدری در کنار جفا به انسانیت به دلیل بی‌حرمتی به قداست خانواده و ستون آن یعنی عنصر پدر جفا به جامعه ایرانی نیز قلمداد می‌شود.

در واقع همان قدر که یک قاتل زنجیره‌ای می‌تواند احساسات یک جامعه را با قتل‌های متعدد جریحه‌دار کند، فیلم خانه پدری نیز در عمل می‌تواند همان تاثیر را بر روح و روان جامعه بر جای گذارد.

ذکر این نکته می‌تواند به فهم بهتر موضوع کمک کند که روضه‌خوان‌های کاربلد و کاردان از مجموعه مثلاً نیم‌ساعت روضه‌خوانی حادثه عاشورا صرفاً یکی دو دقیقه را به مقتل‌خوانی اختصاص می‌دهند و به سرعت از آن گذر می‌کنند و بی‌تردید هیچ فیلمسازی توان به تصویر کشیدن حقیقت مقتل کربلا را نخواهد داشت و صلاح هم نیست از میان منظومه عظیم مکتب عاشورا روی قساوت‌های ظهر عاشورا تأکید شود، بنابراین ای کاش اگر هم نمایش خشونت عریان به انگیزه‌های نفسانی درون یک داستان مثلاً در ژانر ترسناک الزامی به نظر می‌رسد با تمهیدات تکنیکی از شدت آن کاسته شود.

اکران محدود خانه پدری با ۱۵سالن در پایتخت پس از سال‌ها توقیف با هشدار سنی ۱۵سال می‌تواند برای فیلمسازانی که فیلمشان را برای مردم می‌سازند این پیام را داشته باشد که متولی امر سینما در کشور به هیچ وجه با آثاری که می‌تواند موجب جریحه‌دار کردن احساسات عمومی شود مماشات نخواهد کرد و با سیاستگذاری‌های مختلف از جمله محدود کردن سالن و گیشه مقابل ترویج چنین آثاری خواهد ایستاد.

حکمت

حکمت ۳۴۵

از (اسباب) پاکدامنی دست‌نیافتن است بر (انجام) گناهان.

نما | حسین کشتکار

نگاهی به فیلم در حال اکران «مسخره‌باز»

## چند سکانس تزئینی کنار یک تجربه‌گرایی خام

■ افشین علیار

همایون غنی‌زاده بعد از چند تجربه کارگردانی در تئاتر با آموخته‌های نمایشی سراغ فیلمسازی آمده است؛ فیلمسازی که در وهله نخست می‌شود از آن به عنوانِ یک تجربه‌گرایی یاد کرد در دو قطب مثبت و منفی قرار دارد، به طوری که گاه پیش می‌آید کارگردان به موازاتِ مفاهیم نمایشی با تسلط به نگرش سینمایی فیلم اولش را می‌سازد یا اینکه کارگردان هیچ نگاه تکنیکی از سینما ندارد و می‌خواهد با طرح و ساختار نمایشی به سینما برسد که این مسئله از اساس اشتباه است. غنی‌زاده در ساخت مسخره‌باز وارد سینما نشده، او با انگیزه‌های نمایشی قصد داشته تجربه سینمایی داشته باشد که البته این قصد باید در فیلم‌های کوتاه و شخصی اتفاق بیفتد تا فیلمساز بتواند با نگاه و نگرش کامل و تسلط کافی فیلم بلند (سینمایی) بسازد. اگر چه مسخره‌باز در نمای کلی می‌تواند فیلم خوش‌ساختی باشد اما این تزئینی که فیلمساز برای فیلمش انجام داده کاملاً مقطعی است و البته متکی به موقعیت‌سازی‌های کوچک؛ فیلمی که متشکل از ایجاد موقعیت‌های پی‌درپی گاهی کمیک، گاهی مدرن و گاهی پست مدرن است اما نکته حائز اهمیت در مسخره‌باز لکنت سینمایی و بی‌زبانی در ایجاد یک فیلم مستقل و خط روایی استاندارد است. آنچه از سروشکل این فیلم پیداست انگار فیلمساز قصد شیطنت داشته و سعی کرده از عناصر ساختاری نمایش در سینما بهره بگیرد. اگر دوربین و تدوین را از فیلم حذف کنیم مسخره‌باز صرفاً یک نمایش محسوب می‌شود، اما غنی‌زاده با شیطنت‌های فراوان که می‌توانیم نام آن را تمرین سینما بگذاریم نتوانسته به یک وحدت کامل سینمایی برسد، اساساً بازی با قواعد غیرمرسوم مرزبندی میان واقعیت و خیال و استفاده از ویژوال افکت، کند و تند کردن ریتم و نوستالژیک‌گرایی فیلمساز نکته قابل اهمیتی برای یک فیلم سینمایی محسوب نمی‌شود.

فیلمساز با ساخت اولین فیلم سینمایی‌اش می‌خواهد تمرین سینما کند، تلاشش برای خلق پست‌مدرن جواب نداده بلکه فیلم را تبدیل به نماهای کارت پستالی کرده، مشخص است غنی‌زاده برای ساخت مسخره‌باز ذوق فراوان داشته اما همه چیز در حدِ همان ذوق باقی مانده، چگالی موقعیت‌های کمدی در فیلم گسترده است ولی موضوع اصلی جدی گرفته نمی‌شود. فیلم شروع درستی دارد، نریشن به خوبی قصه و شخصیت‌ها را توضیح می‌دهد اما فیلمساز چرا می‌خواهد پُز دانستگی بدهد؟ چرا قصه‌گویی را ادامه نمی‌دهد؟ غنی‌زاده می‌توانست با همان موقعیت‌سازی‌ها فیلمش را جلو ببرد ولی در بعضی از مقاطع فکر می‌کند باید بیشتر به پست‌مدرن نزدیک شود اما خیال‌پردازی و خلق فضای غیرمرسوم ربطی به پست‌مدرن ندارد، فضا و شخصیت‌های فیلم می‌توانستند بیشتر به مخاطب نزدیک شوند اما غنی‌زاده اجازه نمی‌دهد، او مسخره‌باز را بر اساس شکل و قواعد نمایش ساخته، فیلمش تک لوکیشن است و جرئت نمی‌کند از لوکیشن بیرون برود و راه رفتن‌ها نقطه‌ای است.

اگر چه می‌توانیم از ایجاد همین موقعیت‌های کوتاه با موسیقی انتخاب شده لذت ببریم اما این لذت بردن کاملاً در موقعیت آبزورد قرار گرفته و انتهایش به هیچ می‌رسد، سه شخصیت اصلی کارکرد لحظه‌ای در فیلم دارند، دیالوگ‌ها و واکنش‌های کمدی این سه شخصیت فیلم را جذاب کرده است اما فیلمساز جلوی این جذابیت را می‌گیرد و وارد فاز دیگری می‌شود.

قطعاً پایان‌بندی فیلم نکته منفی آن است، به طوری که ۱۵دقیقه انتهای فیلم بی‌مصرف است. ورود فیلمساز به دنیای ذهنی دانش از غلو می‌گذرد و فیلم می‌توانست سه یا چهار پایان داشته باشد، بازی سه بازیگر اصلی همراه با طراحی صحنه و تدوین البته در بعضی از مقاطع نکته مثبت مسخره‌باز است.

اگر غنی‌زاده قصد ادامه فیلمسازی را دارد باید از عِرقی که به نمایش و عناصر آن دارد کوتاه بیاید و بتواند وارد جهانِ فیلم و سینما شود، فیلم روی پرده نمایش داده می‌شود و اگر مخاطب قصد داشته باشد فیلمی با محتوا یا میزانسن نمایشی ببیند حتماً یا به دیدن تئاتر می‌رود یا تله‌تئاتر تماشا می‌کند.

در نشست خبری بیست‌وششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان عنوان شد

## تقدیر از رضا بابک در جشنواره تئاتر کودک و نوجوان

**نشست خبری جشنواره تئاتر کودک و نوجوان همدان با اعلام بزرگداشت رضا بابک و اعلام جزئیاتی در مورد آثار حاضر در جشنواره برگزار شد.**

به گزارش «جوان» به نقل از روابط عمومی بیست‌وششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان، در نشست خبری این رویداد که روز گذشته در مجموعه تئاتر شهر برگزار شد، مهدی قلعه دبیر اجرایی این جشنواره به بیان جزئیاتی از جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان همدان پرداخت و گفت: بعد از اینکه فراخوان جشنواره در خردادماه منتشر شد از ۳۱ استان شاهد دریافت آثار بودیم. در بخش کودک ۸۲ اثر، در بخش نوجوان ۵۲ اثر، در بخش خردسال ۴۸ اثر، در بخش خیابانی ۶۶ اثر، در بخش نمایشنامه‌نویسی ۵۵ اثر و در بخش بین‌الملل بالای ۱۰۰ اثر دریافت شد. در ادامه طبق آنچه از طریق اخبار منتشر شد در بخش خیابانی هشت کار، در بخش کودک هشت کار، در بخش نوجوان هفت کار و در بخش خردسال هشت کار برای اجرا در بیست‌وششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان همدان پذیرفته شد. در بخش نمایشنامه‌نویسی نیز اسامی هفت نامزد اعلام شد که سه برگزیده دارد و روز نخست جشنواره معرفی می‌شود.

دبیر اجرایی جشنواره درباره بخش بزرگداشت گفت: هر سال در جشنواره از یک هنرمند پیشکسوت تقدیر می‌شود و امسال از رضا بابک تقدیر خواهد شد. ایشان در مورد تاریخ شفاهی تئاتر کودک و نوجوان منابعی غنی در اختیار داشتند که ماحصل آن در کتابی در جشنواره رونمایی می‌شود. او در مورد جوایزی که از سوی مراکز مختلف، به جز جوایز جشنواره به شرکت‌کنندگان در این رویداد داده می‌شود، توضیح داد: فراخوان امسال با شعار «کودک، تئاتر، طبیعت» منتشر شد و در فراخوان ذکر کردیم سه اثر برگزیده در بخش کودک، نوجوان، خردسال و خیابانی که این شعار را در اثرشان در نظر گرفته باشند از سوی سازمان محیط زیست جوایزی کسب خواهند کرد.

قلعه در ادامه افزود: در بخش ورک‌شاپ پیش از جشنواره و در روزهای ۱۱ تا ۱۴ آبان ورک‌شاپی از دانمارک و تهران برای کارگردانانی که کارشان در جشنواره حضور دارد و برای اولین بار بعضی از دوستانی که اثری ندارند برگزار خواهد شد، به عنوان مثال از استان سیستان‌وبلوچستان درخواست کرده‌ایم به رغم اینکه در جشنواره اثر ندارند افرادی را برای حضور در این ورک‌شاپ معرفی کنند. در همدان نیز شاهد برگزاری ورک‌شاپ‌هایی از الجزایر، استرالیا و ایتالیا خواهیم بود.

به گفته قلعه در بخش بین‌الملل بیش از ۱۰۰ اثر متقاضی حضور بوده‌اند که ۹ اثر از هفت کشور اسپانیا، ایتالیا (سه کار)، آرژانتین، یونان، تاجیکستان، فرانسه و بلژیک حضور خواهند داشت.

رسانه

## توزیع غیرعادلانه یارانه مطبوعات دربندی را برکنار کرد

**ظاهراً فهرست یارانه‌های جنجالی در سال ۹۷ و همچنین توزیع پرحاشیه کاغذ در سال ۹۸ از جمله مهم‌ترین دلایلی است که باعث شده محمدرضا دربندی با دستور وزیر ارشاد از اداره کل مطبوعات داخلی معاونت مطبوعاتی کنار گذاشته شود.**

روز گذشته خبری غیررسمی مبنی بر اینکه وزیر ارشاد در نامه‌ای به معاون خود، دستور پایان کار مدیرکل مطبوعات داخلی را صادر کرده منتشر شد تا از ابتدای آبان حضور او در معاونت مطبوعاتی بلاوجه باشد.

این در حالی است که ساعاتی بعد از انتشار این خبر، محمد خدادی معاون مطبوعاتی وزیر ارشاد، احسان‌الله حجتی را به عنوان سرپرست جدید اداره کل مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی منصوب کرد. معاونت مطبوعاتی این روزها برای پرداخت یارانه‌های دولتی به مطبوعات بسیار تحت فشار است. از یک سو برخی از روزنامه‌های بزرگ و کسانی که ماه‌های اخیر کاغذ بسیاری دریافت کردند، برای تغییرات به ارشاد فشار می‌آورند و از دیگر سو نشریاتی که اساساً منتشر نمی‌شوند، خواهان عدم تغییر شیوه‌نامه پرداخت یارانه‌ها هستند.

تهیه‌کننده «بدون توقف» در واکنش به حسام‌الدین آشنا و دعوت از دولتمردان مطرح کرد

## آقای آشنا! با مردم صادق باشید

■ مصطفی شاه‌کرمی

**اخیراً ویدئویی از اظهارات حسام‌الدین آشنا مشاور رسانه‌ای رئیس‌جمهور در مورد برنامه «بدون توقف» و علت حضور نیافتن دولتی‌ها در این برنامه منتشر شد که با واکنش تهیه‌کننده این برنامه مواجه شد.**

چند هفته پیش «رضا غلامحسین‌نژاد» تهیه‌کننده برنامه «بدون توقف» در گفت‌وگو با روزنامه جوان ضمن تبیین ابعاد مختلف این برنامه از حاضرنشدن دولتمردان در این برنامه به رغم دعوت‌های مکرر و پاسخگو نبودن درباره شبهات و سؤالات مردم گلایه‌هایی مطرح کرد. «رضا غلامحسین‌نژاد» در گفت‌وگو با «جوان» عنوان کرد: «ما سال گذشته برنامه را با موضوع نظام‌های حاکمیتی روی آنتن فرستادیم و از هر کدام از دستگاه‌های حاکمیتی نماینده‌ای در برنامه حاضر شد اما متأسفانه دوستان دولتی با پیش کشیدن برخی مسائل حاضر به حضور در برنامه نشدند.»

وی در پاسخ به این سؤال که در چه موضوعاتی از دولتمردان دعوت کردید که حاضر نشدند در برنامه حضور داشته باشند؟ خاطر نشان می‌کند: «ما در مورد موضوعات متنوعی از افرادی مثل محمدباقر نوبخت، آشنا و عراقچی دعوت کردیم اما با گفتن اینکه «وقت نداریم» حاضر به پاسخگویی در مورد مسائل مرتبط با دولت نشدند. آقای جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهور با انتشار توئیتی در پاسخ به دعوت ما نوشته بود که... ترجیح می‌دهیم وقتمان را صرف خدمت‌رسانی به مردم کنیم!» پس از گذشت چندین هفته، روز گذشته ویدئویی از اظهارات حسام‌الدین آشنا مشاور رسانه‌ای رئیس‌جمهور و عضو شورای نظارت بر صدا وسیما در مورد برنامه

بدون توقف و علت عدم‌حضور دولتی‌ها در این برنامه و پاسخ‌های «رضا غلامحسین‌نژاد» تهیه‌کننده «بدون توقف» به شکل وسیعی در فضای مجازی منتشر شد.

حسام‌الدین آشنا در این ویدئو می‌گوید: «وقتی می‌گویید ما از دولت دعوت کردیم اما نیامد، آن را اعلام بکنید! اعلام بکنید ساعت چند از چه کسی دعوت کردید و چه پاسخی به شما داد؟ اگر یک دولتمرد یا دولت‌زن به یک برنامه تلویزیونی دعوت بشود با رعایت آدابش! یعنی ساعت ۸ به او زنگ نزنند و بگویند ۸ و ربع بیا. [اگر آن مسئول دولتی] با رعایت زمانبندی‌اش دعوت شد و آن دعوت را رد کرد، مردم حق دارند آن را بدانند.» واکنش تهیه‌کننده بدون توقف به این گفته‌های آشنا از این قرار است «آقای آشنا! ما از خیلی‌ها برای حضور در برنامه «بدون توقف» دعوت کردیم، از جمله خود شما! پارسال تلفنی با هم صحبت کردیم و شما گفتید چون مهمان برنامه تحت فشار است من نمی‌آیم! خوب است یادآوری کنم که بد نیست با مردم صادق باشیم!»